

زبانزدی حجاب زنان ایران باستان

۲۷ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۱۳

با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردم شان کیش زرتشت داشتند، چنین بدست می آید که زنان ایران از دیرباز حجاب و اخلاق نیکو و پاکدامنیشان زبانزد همه بوده است

در حالی که در جهان بدحجابی و بی حجابی شیوع پیدا کرده و در اثر همین کار، فساد و بی بندوباری، بسیاری از کشورهای دنیا را فراگرفته، عده ای گمان می کنند که حجاب مخصوص دین مقدس اسلام است، در حالیکه این توهم صحیح نیست. زیرا آنچه به طور خلاصه می توان گفت آن است که: تمام ملل و مردم جهان، زنانشان دارای حجاب بوده اند اگرچه در کیفیت پوشش فرق داشته اند. با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردم شان کیش زرتشت داشتند، چنین بدست می آید که زنان ایران از دیرباز حجاب و اخلاق نیکو و پاکدامنیشان زبانزد همه بوده است و این حقیقت نیز روشن می شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است، بلکه بانوان ایران از قدیم الایام حجاب داشته اند. در تاریخ آمده است که: هنگامی که سه تن از دختران کسری (شاهنشاه ساسانی) را به همراه غنائم فراوان نزد عمر آوردند وی دستور داد با آوازی بلند روی آنان فریاد کشند که پوشش از چهره برگیرند تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران بیشتر با پول زیادتری پیدا شوند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند، و یک مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. همچنین در جاهای مختلف شاهنامه سخن از زن نیکوی ایرانی و حجاب او به میان آمده است که از این اشعار استفاده می شود که زنان ایرانی از دیرباز حجاب داشته اند.

در نقشهایی که از ایران باستان برجای مانده هیچ صورت زن دیده نمی شود این نقشها نشان می دهد که زنان دارای حجاب، مخصوصاً با چادر بوده اند.

بررسی‌ها نشان می دهد که پوشش تمام بدن در دوره های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی برده اند. اما این را بایستی در نظر داشت که پوشش کامل و آراسته همراه با تزئینات زنان در ایران، با پوشش چادر اسلامی متفاوت بوده است. پوشش زنان در ایران باستان در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده

نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.»

بررسی‌ها نشان می دهد که پوشش تمام بدن در دوره های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی برده اند. اما این را بایستی در نظر داشت که پوشش کامل و آراسته همراه با تزئینات زنان در ایران، با پوشش چادر اسلامی متفاوت بوده است.

ویل دورانت معتقد است نقش پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته است که می توان ایران را منشاء اصلی پراکندن حجاب در جهان دانست.

دایره المعارف لاروس نیز به وجود حجاب زنان در ایران باستان اشاره می کند. در تفسیر اثنی عشری چنین آمده است: «تاریخ نشان می دهد که حجاب در فرس (فارس) قدیم وجود داشته است.»

منزلت زنان در عصر نوسنگی

از حدود ۸ هزار سال قبل از میلاد یا دوران نوسنگی و در مرحله کشاورزی و بعد شهرنشینی، نقش زن در امور و مسائل روزمره و مسائل آسمانی مورد توجه بوده است. در اولین قطعات کوچک نقاشی شده از جنس گل پخته که به ندرت تصویر انسانی بر آنها دیده می شود، تنها نقش زن مشهود است. در فلات ایران، در هزاره های دهم و نهم ق.م. ز «رب النوع مادر» یا «ایزدبانوی مادر» و «الهه باروری» است که وظیفه اصلی وی در طبیعت، آفرینش و زندگی است.

آنها نگهبانان آتش و سازنده ظروف سفالین و فراهم آورنده میوه طبیعی بودند. از این عصر، تعداد زیادی مجسمه سفالین از رب النوع مادر که خدای نعمت و فراوانی است، در دست است. این رب النوع در ایران ماقبل تاریخ پیداشده و همسری داشته است که در آن واحد هم شوهر و هم فرزند او محسوب می شد و در اینجا می توان اساس ازدواج با محارم را در مذاهب اقوام ایرانی جستجو کرد.

در زمان باستان نیز، زنان پارسی منزلت بالایی داشتند؛ چراکه در دوران زرتشت، مقام زنان و مردان یکسان بود و زنان می توانستند به مقام قضاوت، پادشاهی و... برسند. در میان امشاسپندان (فرشتگان) زرتشتی نیز، چندین فرشته نام های مونث داشتند که از مرتبه والای زن در آن دوران حکایت دارد.

در زمان باستان نیز، زنان پارسی منزلت بالایی داشتند؛ چراکه در دوران زرتشت، مقام زنان و مردان یکسان بود و زنان می توانستند به مقام قضاوت، پادشاهی و... برسند. در میان امشاسپندان (فرشتگان) زرتشتی نیز، چندین فرشته نام های مونث داشتند که از مرتبه والای زن در آن دوران حکایت دارد حجاب قبل از اسلام

تاریخ باستان، تاریخ نظامی و سیاسی است و تحقیق در مورد نوع پوشش و حجاب زنان این دوره، کار آسانی نیست. برای به دست آوردن دلایل محکم باید به منابع موجود از آن دوران اشاره کرد. برپایه متون تاریخی، در تمدن ها و ادیان پیشین جهان، به ویژه در سلسله های مختلف ایران باستان، در دوره ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حجاب در میان زنان معمول بوده است و این حقیقت روشن می شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد نشده است و حجاب آنان با توجه به شرایط اقلیمی، اجتماعی، کار و پیشه، سبک و اسلوب خاص داشت. آنچه بر صحت این ادعا گواهی دارد، نوع پوشش آنهاست که می توان آن را در دوران باستان از روی کتیبه های به جا مانده در مکان های باستانی (نقش رستم)، تحت جمشید، نقش رجب و...، ظروف، تندیس ها و مجسمه های

محافظت شده در موزه ها و در دوران بعد از اسلام از طریق منابع و کتاب های معتبر مانند شاهنامه فردوسی که آینه تمام نمای فرهنگ ایران زمین است، مشاهده کرد.

شاهنامه، کتاب ملی و حماسی ایرانیان، گرچه مملو از تاریخ حماسی و نظامی ایرانیان باستان است، اما نحوه پوشش زنان آن دوره را نیز در ابیاتی بازگو می کند. با وجود آنکه شاهنامه بیشتر به تاریخ شاهان و شرح جهاننداری ها و جهانگشایی های آنان توجه دارد، گوشه هایی از تاریخ اجتماعی ایران را نیز نشان می دهد و در این میان بارها به «پوشیده رویان» در مورد زنان ایرانی اشاره می کند و چندین بار نیز به حجاب «چادر» اشاراتی دارد و نشان می دهد که زنان ما از زمان های باستان دارای چادر بوده اند.

از شاهنامه چنین برمی آید که از ابتدای تاریخ، یعنی دوران جمشید و فریدون، زنان ایران «پوشیده روی» بوده اند.

زنان اشراف الگویی برای سایر زنان

تندیس های به جامانده از آن دوران، فقط حجاب زنان اشرافی را نشان می دهد که با تطبیق آثار کتبی، سنگ نوشته ها و تندیس ها و با تدبر در منابع مکتوب و آثار برجای مانده از سلسله های باستانی ایرانی، در بررسی نحوه پوشش معلوم می شود که زنان اشرافی نه تنها حجاب خود را رعایت می کردند، بلکه الگویی برای زنان طبقات پایین جامعه بودند و آنها نیز در مجالس عمومی و در منظر مردم پوشیده بیرون می آمدند.

بعضی از منابع موجود معتقدند زنان ایرانی از چادر و روبنده استفاده نمی کردند، ولی از جلوه گری ها و نمایش اندام برهنه پرهیز می نمودند. نقوش برجای مانده از سکه ها، تندیس ها و نقوش به دست آمده از زنان نشان می دهد زنان باستان حجایی نداشتند، ولی پوشیدگی موی و روی، سنت و وجه امتیاز اشراف به شمار می رفته است.

هردوت و استرابون نیز هر دو پوشیدگی زنان طبقات ممتاز ایران قدیم را امری متداول می دانند و آنرا نوعی اشرافیت به شمار می آورند و تأکید می کنند که زنان طبقات دیگر از این در پرده بودن، خود را آزاد می دانستند. اما با توجه به اینکه واژه «چادر» (cvatur) در زبان پهلوی به معنی «لباس» و «پوشش» آمده است، چنین برمی آید که این واژه قبل از ساسانیان نیز کاربرد داشته است. البته مسلماً اگر چادر هم استفاده می شد، به نحو امروزی آن نبوده است.

منبع: تبیان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۶۳۱/باستان-ایران-زنان-حجاب-زبانزده/۳۲۶۳۱>